

## فصلنامه‌ی مخطوطات

سال اول، شماره ۳، پائیز ۱۳۸۶

صفحه ۶۵ تا ۷۸

### «علم لدنی»

مجتبی مطهری (الهامی)  
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

#### چکیده:

علم فی نفسه لذت بخش و در ذات خویش مطلوب فطرت انسان است و امری دوست داشتنی است. سرّ مطلب این است که ادراک اشیاء و احاطه بر اینها نوعی تملک و تصرف آنها است از آنجا که همه چیز را به وسیله عقل نمی توان درک کرد و آنچه عقل و فکر و کاوشهای علمی در دسترس بشر قرار داده است قسمتی از یافته‌های بشری است بسیاری از یافته‌های بشر تحت تأثیر الهام و ندای درون، و یا ضمیر وجدان است. انسان علم از دو راه حاصل می‌گردد: یکی فراگیری از طریق بیرون و عالم حس دیگری جذبه و کشش درونی و جهان فراحس که این دوّم به سبب صفا و پاکی نفس است. علوم ظاهری از طریق پیوند حواس و عقل انسان با جهان بیرون به دست می‌آید و علوم باطنی از طریق ریاضت، عبادت و سلوک با حق به دست می‌آید. تفاوت علوم ظاهری و علوم باطنی همانگونه که در حکمت بیان شده، این است که در علوم ظاهری امکان لغزش و خطا و یا شک و فراموشی وجود دارد اما علم باطنی که عین عرفان الهی یا حکمت الهی و معنوی است جنبه معرفت حقیقی و یقین دارد.

کلید واژه: علم، علم لدنی، علم شهودی، الهامات

پروژه‌ی کتابخانه‌ی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## گوهر علم

علم برترین فضائل و کمالات و شریفترین صفت انسانی است. علم و حکمت و زیبایی بالاترین صفت ربوبی و زیباترین نشانه‌های الوهیت است.

علم انسان را به لقاء حق و به افق فرشتگان مقرب سیر می‌دهد.

در حدیث نبوی است «العلم نُورٌ یَقْدِفُهُ اللهُ فی قلب مَنْ یَشَاءُ»<sup>۱</sup>

در حکمت الهی اثبات شده است که گوهر علم و صورتهای علمی آمری مجردند علم فی فسه لذت بخش و در ذات خویش مطلوب فطرت انسان است و امری دوست داشتنی است. سرّ مطلب این است که ادراک اشیاء و احاطه بر اینها نوعی تملک و تصرف آنها است زیرا جایگاه حقایق و صور اشیاء در ذات مُدرک است و چنین تملکی به سبب دوامش و به واسطه اینکه مُدرک جزء مُدرک است از مالکیت اشیاء مادی و خارجی که مابین با ذات مالک اند و نیز زوال پذیرند (از درجه و مرتبه برتری برخوردار است).<sup>۲</sup>

از آن گذشته به وسیله اثبات وجود ذهنی در حکمت الهی و نیز شناخت انسان و تعامل او با وجود و تقریر شکل فلسفی خلاقیت نفس انسان و نیز تجرد علم و ادراک و اتحاد علم و عالم و معلوم، تطابق ذهن و عین روشن گردید. از آن گذشته علم از مقوله وجود است و مانند وجود و نور مراتب دارد. شیخ اشراق ماهیت علم را عین ظهور و نور می‌داند. به همین خاطر است که غزالی معتقد است که علم بیطرف نیست زیرا عالم بیطرف نیست. و این از آن جهت است که بین علم و عالم و معلوم (وحدت حقیقی) وجود دارد. همانگونه که میان هنر و هنرمند و اثر هنری وحدت ذاتی وجود دارد.

این مسئله‌ای است که هنوز در فلسفه غرب از مسائل پیچیده فلسفی است و تا کنون به درستی حل نشده است.<sup>۳</sup>

## الهامات و امدادهای غیبی

بشر همه چیز را به وسیله عقل درک نکرده است و همه چیز را هم به حکم خرد جستجو ننموده آنچه عقل و فکر و کاوشهای علمی در دسترس بشر قرار داده است قسمتی از یافته‌های بشری است بسیاری از یافته‌های بشر و فعالیت‌های غریزی او تحت تأثیر الهام و ندای درون، و یا ضمیر وجدان است.<sup>۴</sup>

آنچه معمولاً ما از راههای تحصیل علم می‌شناسیم دو قسم است یکی حس و تجربه و آزمایشگاه و مشاهدات عینی در طبیعت دوم قیاس و استدلال: امدادهای عینی و الهامات و اشراقات که در دریافت‌های علمی، به روی دانشمندان گشوده می‌شود خود از راههای دیگر علم و معرفت است هرچند<sup>۵</sup> در یک نظر دقیق حکمی (فلسفی) در همین موارد تجربی و استدلالی نیز نوعی الهام و اشراق وجود دارد: شاید بسیاری از اکتشافات علمی بشر از نوع اشراقاتی بوده که ناگهان در دل و مغز دانشمندان بوجود آمده و درون آنان را روشن کرده است، ابن سینا در آثار خویش مانند اشارات دانشنامه علائی و شفا به قوه حدس و الهام در دریافت اکتشافات علمی اشاره دارد: و معتقد است که البته در انسانها با تفاوت این قوه وجود دارد:<sup>۶</sup>

امروزه برخی از متفکران و دانشمندان برجسته غرب نیز چنین قوه‌ای را در انسان برای کشف مسائل و اصول علمی، پذیرفته اند و شناخت و دریافت حقیقت را از طریق جان می‌دانند نه از راه مفاهیم ذهنی ابن سینا: آیه شریفه «يَكَادُ زَيْتُهَا يَضِيئُ و لَوْلَمْ تَمَسَّهُ نَارٌ»<sup>۶</sup> (سوره مبارکه نور/آیه ۳۵) دلیل بر درستی راه سوم می‌داند. چراغی از روغن زیتون که بهترین روغن برای احتراق است آن هم بهترین نوع زیتون که در چراغ و شیشه آن استفاده می‌شود، بدین معنی که زیتون خودش آنچنان آماده احتراق و مشتعل شدن است که گویا قبل از آن که آتشی به آن برسد خودش می‌تواند صرفاً با نزدیک شدن کامل آتش به آن نور افشانی کند الهام به معنی باطنی از آیه که دل انسان آن چنان صاف و شفاف و زلال است که قابلیت نورافشانی و مشتعل شدن از درون دارد! و استعداد برای دریافت الهامات و اشراقات و معانی و اسرار عینی از درون و ماورا به حس را نیز دارد.

غزالی در کتاب المنتقد من الضلال معتقد است که بسیاری از معلومات بشر که به نیازمندیهای زندگی مربوط است به صورت الهام صورت گرفته است وی می‌گوید بشر یک سری اطلاعات و آگاهیها در مورد دواها و علاجهها درباره بیماریها و یا نجوم دارد که تصور نمی‌رود از طریق تجربه بدست آورده باشد لذا بایستی گفت که لطف الهی از طریق الهام و اشراق بشر را هدایت نموده است.

خواجه نصیر طوسی نیز وقتی در مورد نیاز انسان به وحی و نبوت در تجرید الاعتقاد بحث می‌کند در آنجا نظر می‌دهد که برخی صنایع را بشر از طریق الهام آموخته است.

مولوی نیز علم الهام و اشراق را که علم انبیاء و اولیاء است اینگونه در مثنوی به نظم آورده است:

این نجوم و طب وحی انبیاء است	عقل و حس را سوی بیسوره کجاست
عقل جزوی عقل استخراج نیست	جز پذیرای فن و محتاج نیست
جمله حرفتها یقین از وحی بود	اول او لیک عقل آن را فزود

### تبیین علم باطنی (اشراقی)

انسان را علم از دو راه حاصل می‌گردد: یکی فراگیری از طریق بیرون و عالم حس دیگری جذبه و کشش درونی و جهان فراحس که این دوّم به سبب صفا و پاکی نفس است.

راه نخستین همان روشی است که در میان اهل علم مثل دانشگاهیان و یا حوزویان متداول است. فراگیری به حسب الفاظی است که از معلم یا کتابها و آزمایشگاهها و یا بحث تفکر به دست می‌آید. این علوم، علوم صورت یا صنعت است مانند صورتها و نقوشی که در آینه منعکس می‌شود و یا الفاظی که روی کاغذ نقش می‌بندد، علم دیگر که ثمره تهذیب باطن و وارستگی نفس است و یا ثمره تزکیه روح و عقل و نفس است، از طریق جهان غیب و خزانه ام‌الکتاب به نفس قدسی انسان از درون قلب افاضه می‌شود.<sup>۷</sup> آنچه آنچنان که آب از سرچشمه می‌جوشد.

علوم ظاهری از طریق پیوند حواس و عقل انسان با جهان بیرون به دست می‌آید و علوم باطنی از طریق ریاضت، عبادت و سلوک با حق و سیر در جهان درون که معلم آن حضرت حق است که ذات او عین علم و حکمت و زیبایی است به دست می‌آید.<sup>۸</sup>

علمی که امروزه در دانشگاه تحصیل می‌شود، اصطلاحات است علم مفاهیم است آن هم مفاهیم ذهنی نه علم معنایی و علم جان یا باطنی علم دانائی است نه دارائی. این علم از طریق آزمایشگاه مطالعه و تجربه و یا استدلال بدست نمی‌آید: این علم از طریق راز و نیاز شبانه و خلوت شب حاصل می‌شود از طریق ریاضت سلوک معنوی و تهذیب نفس و مراقبه، تطهیر نیت و خیال، فکر و قلب انسان، اکتساب می‌شود به قول حافظ:

قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس      نه هر کو ورقی خواند معانی دانست

از طریق معرفت باطنی و یا درک حکمت ذوقی و کشفی است که انسان با اسرار و باطن جهان

هستی و یا عوالم وجود و انسان و از جمله سر هستی و جان جهان و انسان آشنا می‌شود.

حکیم و هنرمند عارف الهامات غیبی و نداهای باطنی را از عمق جان خویش و عالم ملکوت احساس می کند و همچنین معانی از طریق غیب به درون او القاء می شود.<sup>۹</sup>

تفاوت علوم ظاهری و علوم باطنی همانگونه که در حکمت بیان شده، این است که در علوم ظاهری امکان لغزش و خطا و یا شک و فراموشی وجود دارد اما علم باطنی که عین عرفان الهی یا حکمت الهی و معنوی است جنبه معرفت حقیقی و یقین دارد و نیز حالتی ثبات گونه دارد و فراموشی در آن نیست چون علوم باطنی عین اصل و معنی و یا سرّ وجود و هستی و ظهور و تجلی اسماء حق است و حقیقت همیشه ثابت است<sup>۱۰</sup> و گوهر نفس الهی انسان با پیوند ذات ربوبی خود را عین فقر و نیاز و وابستگی دائم و مستمر با حضرت حق و علم مشاهده می کند.

تمثیل ( وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ ) برای روشن شدن مطلب و چگونگی پیوند نفس با علم باطنی و دریافت آن از در کسب علم لدنی، از تمثیل آینه استفاده می کنیم همان طور که آینه موجودی است مستقل، صورت اشیاء هم مستقل اند و تمثال صور در آینه نیز شیئی جداگانه. در کشف معانی و اسرار حقایق (علم لدنی) که نفس از طریق باطن پیدا می کند نیز سه چیز مهم است: اول قلب و شفاف وارسته انسانی، دوم نفس حقایق اشیاء سوم تابیدن معانی و انوار و حضور ثابت آنها در قلب.

لازم به تذکر است انوار اشیاء و اسرار حقایق عالم وجود در لوح محفوظ نهان است. این لوح در سر روح یا عمق ذات انسان نیز به صورت بالقوه و نهانی از نظر عرفان وجود دارد. و عالم وجود و بطون آن بر طبق همین لوح محفوظ طراحی شده است همانگونه که نقشه یک معماری زیبا و اسرار آمیز از طریق یک مهندس و عارف ممتاز طراحی شده است و نوعی مطابقت و هماهنگی میان این نقشه ذهنی و تجلی آن در عالم خارج وجود دارد میان سر و حد انسانی و بطن عالم وجود نیز نوعی وحدت و هماهنگی وجود دارد.

انسان به خاطر اینکه نفس او کمال پیدا کرده به مرتبه عالی تری از وجود رسیده از آن لحاظ که وجود ذو مراتب است و درجه تجرد او بیشتر شده لذا وابستگی او از عالم مادی کم شده است و نیز چون علم از مقوله وجود است لذا از نظر مرتبه علم و ادراک نفس او در تعالی به معانی و معارفی دست پیدا می کند که ادراک دیگران از دریافت آن معانی ناتوان است چون نفس از

شفافیت و صفای بیشتری برخوردار شده و استعداد پذیرش، اسرار و حقایق بیشتری را از خزانه غیب و مرتبه عالی وجود پیدا کرده است.<sup>۱۱</sup>

سرّ دست یابی به علم افاضی و معارف و معانی غیبی از ناحیه ماوراء حس را بایستی از همین طریق باطنی پیدا کرد.

### بینش شهودی

#### علم لدنی (افاضی)

خداوند در کتاب آسمانی خویش درباره حضرت خضر فرمود: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»<sup>۱</sup> (سوره مبارکه کهف/آیه ۶۵) بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که ما از نزد خودمان به او علم آموختیم یعنی از باطن او علمی را جوشاندیم کلمه علم لدنی از همین کلمه اقتباس شده است سعدی چه خوش سروده است:

ای دل مرا علم لدنی هوس است      تعلیم کن اگر ترا دسترس است  
گفتم که الف گفت دگر هیچ مگوی      در خانه اگر کسی است یک حرف بس است  
حافظ نیز در غزلیات خویش سروده:

نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار      چه کنم حرف دگر یاد نداد اوستادم

علم لدنی علمی است که معارف و معانی آن بی واسطه از جانب حق مستقیماً بر قلب انسان فرود آید.

از پیامبر اکرم حدیث نفیسی هست که برخی آنرا به خاطر محتوای بلند آن حدیث قدسی نیز می‌گویند: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَاحًا جَرَّ يَنْبِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ». «ترجمه: هر کس چهل روز زندگی او سالکانه، عاشقانه و یا خالصانه در زندگی زیست کند باشد و در قلب او جز عشق و رضای خدا چیزی نباشد، سرچشمه‌های حکمت معنوی و معارف عینی از قلب او می‌جوشد و سپس بر زبان او جاری می‌شود و حافظ هم به همین معنی لدنی اشاره نموده است.

سحرگه رهروی در سرزمینی      همی گفت این معما با قرینی  
که ای صوفی شراب آنکه شود صاف      که در شیشه بماند اربعینی

علوم انبیاء و اولیا علم لدنی است شامل مدرکات غیبی انبیاء و رسل، وحی و فیض و تجلی است این مدرکات غیبی اوصیا و اولیا کشف و الهام و ذوق نام دارد.

اما وحی خاصه انبیاء است و آن بر دو گونه است: کلام الهی و حدیث قدسی (وَمَا يَنْطِقُ عَنْ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)<sup>۱۲</sup> کلام الهی (وحی) به واسطه جبرئیل بر قلب مبارک رسول خدا (ص) نازل شده است. (نزل به الروح الامین علی قلبک)<sup>۱۳</sup> و حدیث قدسی بی واسطه جبرئیل، معانی و معارف آن در قلب مقدس رسول خدا (ص) فرود می آید. اما الهام مخصوص است به اولیا و آن علمی افاضی است که حضرت حق آن را از عالم غیب از طریق اشراق بی واسطه به دل های پاکان می تاباند.

#### «اثبات علم لدنی»

و اما تعلم ربانی و طریق کشف عبارت از طریق علم لدنی است، از راه علم اکتسابی و استدلال بدست نمی آید این کشف شهود در اثر صفا و وارستگی و نورانیت نفس، ناخود آگاه بر قلب آدمی یورش می آورد لذا نامش الهام و یا وحی است: از نظر غزالی دو دلیل قاطع بر صحت وجود کشف و الهام و علم لدنی وجود دارد:<sup>۱۴</sup>

(الف) نفوس انسانی در سایه طهارت و صفای فطری و تجرد نفس آئینه‌ای شده برای مراتب برتر عالم وجود انوار و صورتها و معانی‌ای که در نفس او تمثیل می‌یابد به خاطر قابلیت و استعداد نفس قدسی برای دریافت نور اشراق است زیرا قلب دارای دو باب و روزنه است یکی از آن دو باب به سوی عالم ملکوت که همان لوح محفوظ می‌باشد و دیگری در جهت حواس پنجگانه ظاهری که چنگ بر عالم طبیعت (شهادت) دارد جای گرفته است راه اول از طریق برداشتن حجابها و موانع و پرده‌های ظلمانی و روحانی از جلوی قلب تحصیل می‌شود و راه دوم همان راه و روش تجربه و مشاهده بیرونی است.

(ب) در پی رؤیاهای صادقه یکسری عوالم غیبی و رازهایی که از دیدگاه حس و عقل نهان است کشف و پدیدار می‌گردد این رؤیاها خبر از آینده می‌دهد وقتی کشف از پی رویاهای صادقه امکان پذیر باشد مسلماً در عالم بیداری نیز محال نخواهد بود.

خواب و بیداری از جهت کشف و شهود با هم تفاوت ندارند: بلکه تفاوت رؤیا و بیداری از این جهت است که حواس آدمی در حال خواب از کار می‌افتد و رابطه‌اش با محسوسات قطع می‌گردد. چه بسا افرادی که در حال بیداری چنان در خود فرو می‌روند و آنچنان از بیرون خود غافل و بی‌خبر می‌شوند که نه صدائی را می‌شنوند و نه چیزی را می‌بینند.<sup>۱۵</sup>

### یک داستان واقعی

شخصی وارد مسجد پیامبر اکرم (ص) شد و عرض کرد یا رسول الله به من قرآن بیاموز، رسول خدا (ص) به یکی از اصحاب برجسته‌اش او را سپرد تا سوره مبارکه زلزال را به او بیاموزد وی به تعلیم و تلاوت این سوره مبادرت کرد تا به آیه فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ رسیده آن عرب ساده دل و صحرائشین به معلم خویش گفت: آیا این جمله وحی است معلم گفت بله: شاگرد گفت من درس خویش را از این آیه گرفتم. معلم خدمت رسول اکرم (ص) رسید و عرض کرد این شاگرد کم صبر و حوصله است و حتی اجازه نداد بیش از یک سوره کوچک برای او بخوانم. به من گفت در خانه اگر کس است یک حرف بس است.

پیامبر (ص) فرمود: رجع فقیها. یعنی او به عرفان (حکمت قدسی) اعلم معرفت به مبداء و معاد رسید.<sup>۱۶</sup>

سعدی در غزلیات خویش چه زیبا سروده است:  
ای دل مرا علم لدنی هوس است      تعلیم کن اگر ترا دسترس است  
گفتم که الف گفت دگر هیچ مگوی      در خانه اگر کسی است یک حرف بس است

### علم لدنی در نظر غربی‌ها

خوشر آن باشد که سر دلبران      گفته آید در حدیث دیگران  
با توجه به معارف و علوم امروز و پژوهشهای دانشمندان جدید می‌توان علم اشراقی و افاضی را اثبات نمود: دکتر الکسیس کارل در کتاب انسان موجود ناشناخته می‌نویسد:



به یقین اکتشافات علمی تنها محصول و اثر فکر آدمی نیست نوابغ علاوه بر نیروی مطالعه و درک قضایا از خصایص دیگری چون الهام و تصوّر خلاقه برخوردارند به وسیله اشراق چیزهائی را که از دیگران پوشیده است می‌یابند» کارل دانشمندان را به دو دسته منطقی و اشراقی تقسیم می‌کند. یکی از دانشمندان علوم تجربی در غرب به نام ژاک‌ها داما مقاله‌ای تحت عنوان «نقش شعور باطن در تحسّسات علمی» نوشته است. در این مقاله چنین نگاشته شده:

وقتی ما به شرایط اکتشاف و اختراع می‌اندیشیم محال است بتوانیم اثر ادراکات ناگهانی درونی را نادیده بگیریم، هر دانشمند کم و بیش این احساس را کرده است که زندگی و مطالب علمی او از یک رشته فعالیت‌های متناوب که در عده‌ای از آنها اراده و شعور وی مؤثر بوده و بقیه نیز حاصل یک سلسله الهامات درونی می‌باشد تشکیل شده است.

انیشتین فیزیکدان برجسته جهان مبدا بسیاری از فرضیه‌های بزرگ را نوعی الهام و اشراق می‌داند. ویلیام جیمز در کتاب دین و روان می‌نویسد سرچشمه زندگی مذهبی دل است دستورالعمل‌های فلسفی - کلامی و علمی مطالب ترجمه شده‌ای است که اصل آن به زبان دیگری است. پاسکال نیز طبق نقل محمدعلی فروغی در کتاب سیر حکمت در اروپا محبت را برتر از عقل می‌داند و بنیاد علم و اعتقاد را بر اشراق قلبی قرار می‌دهد.

در همین کتاب از قول برگسون از اعتقاد به دو نوع دیانت و یا اخلاق نام می‌برد و هریک را بازتاب یک مبدأ خاص می‌داند: مبدا سافل و مبدا عالی.

مبدا سافل صلاح هیئت اجتماعی است و مبدا عالی فیضی است که از عالم بالا می‌رسد این مبدا دانش در جانوران هدایت‌گریزی و در انسان آن مایه دانش همان قوه اشراقی به ودیعه گذاشته در درون اوست که در عموم به حال ضعف و ابهام و یا شدت وجود دارد.<sup>۱۷</sup>

### وحی و الهام

مهمترین تفاوت بین وحی و الهام این است که وحی از طرف خداوند و به واسطه فرشته و دیدن او بر نفس قدسی نبوی افاضه می‌شود اما الهام از جانب خداوند بدون واسطه فرشته انجام می‌پذیرد. مرتبه وحی از الهام برتر است بدین معنی که وحی روشن‌تر و قوی‌تر از الهام است الهام نوری است که از عالم غیبی بر دل صاف و آسوده از غیر حق از باطن انسان می‌جوشد. هر دو

کلام حق اند و وحی از خصوصیات نبوت است و الهام از خواص ولایت<sup>۵</sup> علم امام (ع) براساس حکمت ذوقی و اشراقی از طریق علم حضوری و الهام و باطن به واسطه پیامبر (ص) به امام می‌رسد. غیر از آن الهام، کشف معنوی صرف است و البته فرشته گاهی به صورت صور و معانی نیز متمثل می‌شود حقایق و علومی که در رؤیا یا بیداری به انسانها القاء می‌شود الهام نام دارد.<sup>۶</sup> وحی نیز با عروج و صعود پیامبر (ص) از عالم طبیعی و حسی به عقلانی و ترقی او به عالم ملکوت و پیوند عمیق با حق میسر می‌گردد در واقع نفس نبی حد مشرک عالم حس و خیال و عقل است. گوهر نبوت مجمع انوار عقلیه و نفسیه و حسیه است و عالم ملکوت مصون از شک و تردید و دسترس و وسوسه شیطان است و شخص نبی خاتم حاکم است بر کلیه عالم وجود.

نبایستی تصور کرد که وحی چون با علم حضوری و شهودی پیوند دارد نه علم حصولی لذا تبیین برهانی و استدلالی ندارد. «گرچه حقیقت وحی فراتر از مفاهیم سطح تفکر و اندیشه انسانی است و جز با عروج سیر و صعودی پیامبر از عوالم طبیعی و حسی و عقلانی و ترقی به عالم ملکوت میسر نمی‌گردد کسی نمی‌تواند از حقیقت ام‌الکتاب با خبر شود مگر این که عنداللهی شده و به مقام قرب و یژه حق نائل آمده باشد یعنی برای شهود چنین مرتبه‌ای پیامبر به اذن الهی اوج می‌گیرد و به مقام خلوتگاه سیر بین خود و خدا راه می‌یابد و وحی الهی بر او تجلی می‌یابد.»<sup>۱۸۰</sup>

#### ام‌الکتاب

ام‌الکتاب، یعنی لوحی که اولاً تمام حقایق و اسرار جهان در آن نقش شده است، ثانیاً ثابت و مصون از تغییر و زوال است و ثالثاً نزد خداست و عنداللهی.

ام‌الکتاب به معنی اصل کلی و در بسته تمام اسرار و حقایق هستی است، براساس اینکه نظام هستی نظام ظهور است و تجلی نظام جلوه است و مظهر که هر دو با یکدیگر اتحاد نفسی دارند و ام‌الکتاب خزائن همه حقایق و اصل و ریشه آن است که اسرار و مراتب وجود از آن تنزل یافته در عالم خارج متجلی شده است در علم لدنی نفس قدسی قابلیت مشاهده ظهور انوار اشیاء و جنبه ملکوتی آن را از طریق باطن خویش را پیدا کرده است. چگونگی آن از طریق پیوند **سِرِّ رُوح** با

ام‌الکتاب و دریافت بی واسطه و لدنی از جانب حق صورت می‌گیرد. معلم آن ذات جمیل و حکیم حق است نه فرشته.<sup>۷</sup>

اگر معصومین (ع) ام‌الکتاب هستند به خاطر آن است که آن ذوات نوری چه در قوس نزول وجه در قوس صعود با ان حقایق عینی متحدند و هر مرتبه که در جهان امکان یافت می‌شود از قلب آنان سرچشمه می‌گیرد.

### انواع ذوق و کشف

#### الف - کشف صوری

کشف صوری آن چیزی است که در عالم مثال (خیال) از طریق حواس باطنی حاصل می‌شود و آن از طریق مشاهده یا دیدن صورت می‌گیرد. در مثال هنگامی که سالک صورت فرشته را در خواب و یا احضار ارواح متمثله متجسده را به چشم در بیداری می‌بیند یا از طریق سماع و گوش جان ندای باطنی آنان را می‌شنود. مثال دیگر، زمانی که نبی اکرم (ص) وحیی را که بر او نازل شده به صورت کلام موزون می‌شنود یا صورت فرشته را می‌بیند و از این طریق بوی خوش و عطر آگین آن را احساس می‌کند چنانکه رسول خدا (ص) فرمود: عطر نفس رحمان را از جانب یمن<sup>۱۹</sup> احساس می‌کنم و یا دیدن فرشتگان و هم سخن شدن با آنان در خواب برای اهل سلوک که اینها نمونه‌هایی از کشف صوری است.

#### ب - کشف معنوی

کشف معنوی عبارت است از ظهور مستقیم معانی و یا حقایق و اسرار غیبی که مجرد از صور است و آنها عبارت است از تجلیات باطنی اسم و صفت الهی یا تجلی سرّ معانی اسم اعظم الهی برای قلب هنرمند و حکیم و عارف مانند معنی اسم و صفت علم حکمت و زیبایی و در کشف معنوی معنی اسم جمال حضرت حق. در هنر قدسی و دینی کشف معنوی تجلی نام مظهر اسماء و صفات الهی<sup>۲۰</sup> بر قلب قدسی بدون صورت است در مرتبه عالی کشف است که اولیای حق و عارف نظر و توجه به آن دارند و صرفاً نفس معناست: کشف معانی احوال عالم برزخ و ملکوت و تمثل آن در خواب و یا بیداری از همین نوع کشف است.

کشف صوری چون ظهور اسماء و صفات الهی به صورت مصوّر است و نفس الهی چون مستقیماً با غیب و ملکوت ارتباط پیدا ننموده به خاطر کدر بودن قابل تأویل و تفسیر است. حضرت حق، زمانی که معانی و اسرار عالم غیب را از وراء حجاب ظاهر از عالم قدس در نفس قدسی بدون صورت القاء می نماید، این کشف عین نور و حکمت و عین علم الهی است زیرا مستقیماً از سوی حق افاضه شده، به خاطر روشنی و شفافیت نفس آن مانند رؤیای صادقه قابل تفسیر و تأویل نیست.<sup>۲۱</sup>

### نتیجه گیری

علم دو گونه است، علم اکتسابی (دانشگاهی) که علم صنعت است و علم مفاهیم و معانی است و با ذهن و فکر انسان و کتاب و پژوهش پیوند دارد. که البته این علوم غالباً علوم مفیدی هستند. علم دیگر، علمی است که بر اثر صفا و وارسته روح و تهذیب نفس و طهارت ذهن و فکر از ناحیه حضرت حق بر جان پاک می تابد، و نوعی الهامات و اشراق و انوار غیبی است که بر قلب انسان می تابد و جان او را روشنائی می بخشد برخی از اسرار و حکمتها و معارف در علوم انسانی در تاریخ علم بشر از همین نوع علم اشراقی و افاضی است امروزه این مطالب در میان برخی از متفکران غرب در پژوهشهای علمی به اثبات رسیده است که شناخت و دریافت و کشف معارف ثابت در علوم از نوع حکمت است و از طریق جان و انوار آن دریافت می شود نه از راه صورتها و مفاهیم ذهنی.

پایان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشت‌ها:

- ۱- گزیده جامع السعادات، علامه مهدی نراقی، ترجمه دکتر جلال‌الدین مجتبی‌سوی، نشر حکمت، تهران، ۱۳۷۹، ص ۳۷ برای مطالعه بیشتر، انسان کامل، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۷۹ و ۱۸۰.
- ۲- گزیده جامع السعادات، علامه مهدی نراقی، ترجمه دکتر سید جلال‌الدین مجتبی‌سوی، نشر حکمت، تهران، ۱۳۷۹، ص ۷۲. برای پژوهش بیشتر، شرح بدایه الحکمه، جلد ۳، علی ربانی گلپایگانی، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۷۱، ص ۲۷۶-۲۶۹.
- ۳- برای مطالعه و تحقیق رجوع کنید به بحث وجود ذهنی در شرح مختصر منظومه و شرح مبسوط آن، استاد شهید مطهری (ره) انتشارات صدرا، تهران.
- ۴- مجموعه آثار (۵) استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۱، ص ۴۸۰ و ۴۸۱.
- ۵- مجموعه آثار (۳)، شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۵۴-۳۵۱. تفسیر سوره نور، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۷۷-۱۷۵، و ص ۱۹۱-۱۸۹.
- ۶- شرح اشارات خواجه نصیر طوسی، حسن ملکشاهی، نشر سروش، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۹۵-۱۹۲. برای مطالعه بیشتر، مجموعه آثار (۴) شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۴۶-۱۴۱.
- اصطلاحات الصوفیه، فرهنگ اصطلاحات عرفان و تصوف عبدالرزاق کاشانی ترجمه محمد خواجوی، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۷۲، باب «ز»، ص ۴۴.
- تفسیر سوره نور، جلد ۴، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۱۸-۱۱۶.
- ۷- داستان سید جواد عاملی - صاحب کتاب مفتاح الکرامه که از شاگردان برجسته سید مهدی بحرالعلوم بود و عتاب استاد نسبت به سید جواد از اینکه همسایه‌اش در تنگدستی و گرسنگی چند روزی به سر می بردند و اعطاء غذای مطبوع و متنوع به همسایه سید جواد از طریق سید مهدی بحرالعلوم به وسیله پیشخدمت به در منزل او و شگفتی‌اش از اینکه راز فقر و گرسنگی چند روز خویش را از نزدیکترین دوستان خویش نیز پنهان داشته و چگونه سید بحرالعلوم از راز او اطلاع پیدا نموده، سر خدا که عارف سالک به کس نگفت در حیرتم که باده فروش از کجا شنید
- تفضیل مطلب را در داستان راستان جلد ۲ داستان شماره ۸۶، اثر استاد شهید مرتضی مطهری مطالعه نمایند.
- ملاصدرا در مقدمه اسفار معتقد است برخی از اسرار و حقایق در فلسفه از طریق اشراقی‌لذنی به او افاضه شده است رجوع کنید به کتاب طهارت روح استاد حسن حسن زاده آملی.
- ۸- برای پژوهش بیشتر، طهارت روح (شرح مراتب) استاد حسن زاده آملی شارح صمدی آملی، ناشر مؤلف، مازندران ۱۳۷۹.
- ۹- کذالک نری ابراهیم ملکوت السموات والارض (سوره انعام، آیه ۷۵) ما به حضرت ابراهیم (ع) باطن و ملکوت جهان هستی را نشان دادیم. دیدن با نفس قدسی یا جان پاک الهی و از طریق باطن است برای پژوهش بیشتر، کتاب درآمدی بر سیر و سلوک، شیخ مجتبی تهرانی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران ۱۳۷۸، ص ۴۲-۴۰.
- ۱۰- در مقاله‌ای در عرفان نظری که به قلم حجت‌الاسلام قائم مقامی در روزنامه کیهان درج شده بود در آنجا مطلبی از حضرت امام خمینی (ره) از قول استاد شان حکیم عارف مرحوم آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه آبادی نقل شده بود که در درس فصوص‌الحکم استاد مطالبی را بیان می نمودند که ما در حواشی کتابهای عرفان نظری پیدا نمی کردیم. وقتی از استادمان سؤال می کردیم این معانی و معارف از کدام منبع است، ایشان در جواب می گفتند، گفته می شود، و منظور استاد، خودش بوده است.
- ۱۱- تقریرات در ساستاد دکتر اعوانی، انجمن حکمت و فلسفه ۱۳۷۸ ه. ش.
- ۱۲- ترجمه: سخن پیامبر اکرم (ص) از روی هوی و هوس نیست بلکه حقیقت این است که آنچه می فرماید چیزی نیست جز وحی و یا علم لذنی که از جانب حق بر قلب مبارکش نازل می شود. (سوره نجم/آیه ۳). حدیث قدسی حدیثی است که هم باطن و معارف آن از جانب خداست و هم الفاظ از طرف خدا است تفاوت آن با کتاب آسمانی از طریق سبک بیان و آهنگ و ریتم آن است.
- ۱۳- مقصود از روح‌الامین جبرئیل امین است.
- ۱۴- صدرالمتألهین در مفاتیح‌الغیب و غزالی در کتاب روان شناسی خویش به همین. دو قسم وحی و الهام اشاره داشته اند. غزالی در کتاب روان شناسی خویش به اثبات علم لذنی (وحی - الهام) یا ادراک کشفی از نظر قرآن و روایات پرداخته است. و

- مقدمه و تصحیح عقیف عیران، تهران، کتابخانه منوچهری، ص ۱۹-۱.
- ۱۸- «و انه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم» (سوره زخرف/آیه ۴) یعنی قرآنی که شما تلاوت می کنید ریشه اش در نزد خداست. آنجا ما در و بطون کتاب آسمانی است چون قرآن تنزیل است. قرآن در سوره نمل می فرماید: «انک لتلقى القرآن من لدن حکیم علیم» یعنی در مکتب علم لدنی حق (ام الكتاب) و در حضور و نزد ما (لقای ما علم لدنی را آموختی). ارزش میراث صوفیه، دکتر عبدالحسین زرکوب، نشر امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۰۰، تفسیر موضعی قرآن، جلد ۸، آیت الله جوادی آملی، نشر فرهنگ رجائی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۴۴-۱۴۲۳. و نیز رجوع کنید به کتاب شواهد الربوبیه - مبحث نبوت، نشر سروش تهران، ۱۳۶۱.
- ۱۹- لاجد نفس الرحمان من جانب الیمین، در آمدی بر سیر و سلوک، مجتبی تهرانی، دانشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۷۸، ص ۵۴.
- ۲۰- هو الاول والاخر والظاهر والباطن، سوره حدید، آیه ۵.
- ۲۱- توضیحات دقیق تر مفاتیح الغیب ملاصدرا، نشر مولی، تهران، ۱۳۷۱، مفتاح چهارم، صفحات ۳۴۳ تا ۳۴۶. رسائل ابن عرب به کوشش نجیب مایل هروی، نشر مولی، تهران، ۱۳۶۷، ص ۶۶-۶۱.
- پژوهش بیشتر کتاب روان شناسی اسلامی از دیدگاه غزالی، دفتر دوم، نگارش دکتر محمد باقر حجتی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۱، صفحات ۳۱۱-۳۱۴. و نیز رجوع شود به شرح مقدمه فصوص الحکم ابن عربی، استاد سید جلال الدین آشتیانی، دفتر نشر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۵، ص ۵۹۰.
- ۱۵- ملاصدرا در مقدمه اسفار اشاره می نماید که برخی از اسرار و حقایق را از طریق نفس قدسی و الهی بر او الهام شده است برای تحقیق بیشتر درباره «وحی و الهام» به مفاتیح الغیب ملاصدرا، ترجمه و تعلیق محمد خواجهوی، نشر مولی، تهران، ۱۳۷۱ رجوع کنید.
- ۱۶- رجوع کنید به معادشناسی آقای قرائتی، نشر دفتر انتشارات اسلامی، ص ۵۳.
- ۱۷- رجوع کنید به مجموعه آثار (۴) و مجموعه آثار (۶) استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران. ترجمه و تفسیر، شواهد الربوبیه ملاصدرا، دکتر جواد مصلح، نشر سروش تهران، ۱۳۶۶، ص ۴۸۳-۳۸۱، در مورد وحی و الهام برای تحقیق بیشتر کتاب مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه عزالدین محمود کاشانی به تصحیح استاد جلال الدین همائی مؤسسه نشر هما، تهران ۱۳۷۲، ص ۷۹-۷۶. در مورد علم لدنی تمهیدات، عین القضاء همدانی با